

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"

گواه عشق

اگر سرفرازم کنی گاهگاهی
دل من شاد سازی به نیم نگاهی

شوی روبرویم به بزمی، به راهی
به صبحی، بشامی، بروزی، به ماهی

دل از من ربودی، بت دلنوازم
قدت را بگردم، رخت را بنوازم

به کسویت نیازم، به سویت نمازم
بود سجده گاهم چنین جلوه گاهی

ز بزم تو تا کی، چنین دور باشم
حقیر رقیبان مغرور باشم

به چشم تو مقهور و منفور باشم
مقابل شوم با چنین روسیاهی

پرچهره من ببین رنگ زردم
ز عالم بگردم، ز تو برنگردم

به پایت فتاده به مانند گردم
هجوم آورد غم آگر با سپاهی

هنوزم به بزم وفای او ره نیست
گر احوال زارم بپرسی گنه نیست

نصییم بجز روز سرد و سیه نیست
به یک نیمخندی، به نیم نگاهی

بت من! ز چشم خرامیده رفتی
سر دامن نواز برچیده رفتی

چه پیش آمد امشب که رنجیده رفتی
مگر دیدی از من، خطائی، گناهی؟

لبت تا ببوسم نفس بر لب آمد
تن از درد لرزید، به جانم تب آمد

به جان و تنم، غصه دیشب آمد
چه بخت خرابی، چه روز سیاهی

گر امشب ترا من، به مستی نبینم دگر روی مستی به هستی نبینم
به عشقت بلندی و پستی نبینم به حال گدائی، بر اورنگ شاهی

«اسیر» تو بودن، گناهی ندارد دل از من گرفتن گواهی ندارد
طریق وفاء رسم و راهی ندارد چه میخواهی از من دلیل و گواهی

(م. نسیم «اسیر»، بن - المان، اکتوبر ۱۹۹۵)